نویسنده: پیکارپامیر
۲۰۱۵ /۱۰/۲۶

پدیدهٔ خود کشُی و عوامل آن

مقالهٔ حاضر، بتاریخ بیست و پنجم ماه اکتوبرامسال، درکنفرانسی قرائت گردید که بمناسبت مرگ دردناک جوان نامراد (حامد مقتدر)، ازسوی ادارهٔ رادیو " گذرگاه " درشهرک " آک وِل" درحومهٔ تورنتو برگزارشده بود.

اقدام به خودکُشی ازنظرتاریخی، بحث و بررسی عمیق و دقیقی را ایجاب میکند. ارائهٔ پاسخ به این سؤال که پدیدهٔ خود کُشی درمیان افراد بشر دقیقاً ازکدام زمان آغازشده است، سخت دشوارمینماید. اما، با مطالعه و مرورتحقیقات علمی درسالهای پسین، چنین استنباط میگردد که این عمل و اقدام (خودکُشانه) درگذر سده های اخیر، بویژه با گسترش تحولات تمدنی بشر، رو به افزایش بوده است .

بادرنظر داشت خصوصیت های فرهنگی جوامع مختلف بشری، عمل خود کُشی روی اعتقادها، مقاصد و پندارهای آتی صورت گرفته و میگیرد:

* **اثبات وفا به غیرازخود**: (مثلاً، خنجررا با دست خویشتن خویش به حضورتوتم هایی مانند پادشاه ، رهبر قبیله ، خدایان مورد پرستش و ... به سینه فرو بردن وخود را نابود کردن.) این موضوع دراستطوره ها ثبت گردیده است.

* **جبران ناکامی و شکست** : (بربنیاد تحقیقات انجام شده، این نوع خود کُشی، بیشتر درمیان جاپانی ها به ملاحظه رسیده است. مثلاً، وقتی جاپان درجنگ دوم جهانی دربرابر متحدین به شکست مواجه میشود، صد ها افسر، عسکر، پیلوت و فرماندهان ارتش آن کشور، بگونهٔ داوطلبانه و دسته جمعی دست به خود کُشی زدند.)

* **خود کُشی اجباری :** این نوع خودکشیها، بیشتردرامورجنگی و مواقع اضطراری صورت گرفته و یا خواهد گرفت. (مثلاً، تاریخ جنگها بیان میدارد که وقتی معبر ویا خندقِ غیر قابل عبورجلوپیشرفت سربازان و وسایط جنگی را سد سازد، تعدادی ازافراد نظامی، به منظورگشایش راه عبورنیرو های خودی، حاضرمیشوند باجسم خویش آن معبرو یا خندق را پُرکنند. ویا بعبارهٔ دیگر، پُلی شوند غرض عبور نیرو های خودی به سوی هدف)

* **عدم تحمل نا گواریهای** : مانند اختلالات خانواده گی، ناکامی درتحصیل و ازدواج، فقر و تنگدستی، فشارهای روانی، تنهایی و نا امیدی، هجوم عشق و عاطفه، ملاحظات ناموسی، پیشآمد های زشت و منفی، کم بینی و تحقیر، احساس هیچی و پوچی، نبود پناهگاه فکری و روانی، نبود آیندهٔ روشن، بن بست های اقتصادی و اجتماعی و امثالهم.

* **واکنشهای اعتراضی :** مادامکه شخص با ظلم و ستمگری، زورگویی و بیعدالتی،ُقلدری و حق تلفی، ناهنجاریهای شخصی و اجتماعی وانواع چنین فشارها مواجه گردیده به پندارخودش، هیچگونه راه برون رفت را سراغ نمیکند، آنگه دست به عمل خودکُشی میزند.

* **بی مهری، بی اعتنایی وفقدان محبت:** احساس چنین کمبودها وگرایش به سوی خود کُشی، بیشترینه در میان زنان و نسل جوان موج میزند. مثلاً، وقتی میان فرزندان و والدین درچارچوب یک خانواده فاصله ایجاد شده زشتی و درشتی، طعن ولعن، بی مهری وبی توجهی جای لطف وُمدارا و مِهر و نوازش را اشغال میکند و این فصل هرچه زودتربه وصل نمی انجامد، جوان خوانواده به تدریج بسوی یأس و دل شکسته گی و درفرجام به نقطهٔ انفجار یا خود کُشی میرسد.

* **سرخورده گی ومعضلات فرهنگی – اجتماعی :** وقتی شخص، بخصوص شخص جوان که هم صاحب استعداد است و هم آرزو های انسانی و آینده نگرانه در سینه اش موج میزند، بجای آنکه مورد استقبال و پذیرش قرارگرفته برخورد احترامکارانه دربرابرخودش وافکارش صورت گیرد، شخصیت، افکار و آرزو هایش را بادِ کین و بیرحمی و تخریش به بازی میگیرد، وقتی انسانِ توانمند و صاحب آرزوهای بلند، زنده گی و ماحولش را آگنده از زهرانسان ستیزانه وفرهنگ منحط وعقب ماندهٔ فکری و استعداد کُش مینگرد، وقتی اجتماع را مملو ازصورت های مسخ شده، دلهای سنگ شده وسیرتهای مکدر و ملوث می یابد، هوا وفضای هستی درنظرش ظلمانی و غیر قابل تحمل جلوه میکند وآهسته آهسته، گرایشها و تمایلات رفتن به سوی خودکُشی درنهادش زنده میشوند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تحقیر و تجاوزجنسی : این بخش ازمعضلهٔ انسانی که ناشی میشود از ناهنجاریهای ساختاری یک جامعهٔ فلاکت زدهٔ سنتی، سربسته وسختگیر، قربانی تجاوز، به دو درد سوزنده مبتلا میشود: درد وجدانی و شخصیتی و درد ناشی ازلطمهٔ اخلاقی وحیثیتی توأم با طعن وکنایه اجتماعی.

غالباً دیده شده که قربانی تجاوزجنسی، بخصوص دریک چنین جامعهٔ سنتی وسختگیر، یا قدم به قدم به سوی خود خودکُشی رومی آورد و یا دست به ماجراجویی های روانی، انحرافی و قاتلانه می زند.

اکنون قبل ازآنکه نگاهی به جامعهٔ جنگزده و ستم دیدهٔ افغانستان و روند خود کُشیها در آن داشته باشیم، اینک، آمارفشرده و زود گذری ازشمار رویداد های خودکُشی درمنطقه و جهان ارائه منماییم :

بربنیاد گزارش سازمان بهداشت جهانی، درهرسال، به تعداد یک ملیون نفر درسراسرجهان دست به خود کُشی میزنند. یا بعبارهٔ دیگر، در هر چهل ثانیه، یک نفرخودش را به بودی میکشاند. درهمین گزارش آمده که ظرف پنجاه سال اخیر، سطح خود کُشی درجهان، شصت درصد افزایش داشته است. این عمل خود کُشانه، بیشتردربین افراد ۱۵ تا ٤٥ سال صورت میگیرد. سازمان بهداشت جهانی میگوید ک بیشترین آمار خودکُشی، مربوط به کشورهای جاپان، امریکا و شرق اروپا میباشد. این درحالیست که میگوید، درچین، روزانه به صورت اوسط، ٦٨٥ نفرازطریق خودکُشی چشم از جهان می بندند و در فنلند، از هریکصد هزار نفر، ٤٥ نفردست به این عمل وحشتناک میزنند. درهندوستان و کشورهای کرانهٔ غربی اوقیانوس آرام، درهریکهزارنفر، ۳۷ تا ٤۳ نفرخودشان را می کشند.

واما، درافغانستان : درکشوری که ازچند دهه بدینسو، بلای جنگ های خونین و ستمگریهای آشکارضد عاطفی وضد انسانی بیداد میکند؛ با دریغ که گرایش و اقدام به خودکُشی میان زنان و مردان آن درهرروز و هر شب نه تنها پیوسته صورت میگیرد، بلکه رو به افزایش نیزمیباشد. جای تأسف بیشتراینجاست که براساس بی توجهی ها، ندانم کاریها، نبود امکانات علمی و احصائیه وی و حاکمیت شرایط خاص فکری و فرهنگی، آماردقیق خودکشیها دردست نیست .

تا آنجا که مبرهن است، وسیلهٔ خود کشیها درافغانستان عبارت اند از حلق آویزکردن، آتش زدن، دوای مرگ موش خوردن، مقدارزیاد قرص یا تابلیت را بلعیدن، ازمنازل بلند به پایین انداختن، درآب غرق نمودن و سلاح جارحه یا ناریه را استعمال کردن و امثالهم. تا آنجا که گزارشهای رسانه یی میرسانند، بیشترین خود کُشی ها، بخصوص ظرف سالهای پسین، درمیان زنان افغانستان از یکطرف ودربین جوانانِ شاعر و نویسنده و متفکرو ...صورت می گیرد (ویا تاکنون صورت گرفته است .)

دریکی ازمقالاتی که اخیراً در نشریهٔ الکترونیکی " ماندگار" به نشر رسید، ازشاعران جوانی مانند مسعود یمام، زهرا ستوده، قیس دهزاد، شفیق سحر و حامد مقتدرنام ُبرده شده که از راه خود کُشی به زنده گی پُر بارشان پایان داده اند. دراین مقاله همچنان این مطلب را میخوانیم : " خودکُشی نه به دانش ربطی دارد و نه هم به سطح رفاه اقتصادی. چون درهمین عمرخویش شاهد انتحار باسواد ترین ومرفه ترین شخصیت ها درسطح جهان بوده ایم. برخی نویسنده گان، نام یکصد و پنجاه سخنور و هنرمند مشهور قرن بیستم را جمع کرده اند که دست به خود کُشی زده اند. "

پس باید به دو نکتهٔ مهم و اساسی توجه کنیم :

اول) چرا با چنین پدیدهٔ شوم و تکان دهنده مواجه هستیم ؟

دوم) راه حل چیست ؟

باید گفت که عمل خودکُشی درافغانستان سیرتاریخی یا سابقهٔ چندان طولانی ندارد و آنچه اکنون بنام این پدیده درکشورما دیده میشود، بصورت عمده محصول دگردیسی های خونین سیاسی، نظامی و اجتماعی چهل سال پسین میباشد. این دگردیسی های خونین، تراژیدی های عظیم انسانی مانند ملیونها مرده و معیوب ومهاجر و معلول جسمی و روانی وهمچنان هزاران بیوه و یتیم وفقیر و معتاد و نا امید و بیزار و شکسته دل به ارمغان آورده است. حاکمیت چنین اوضاع و احوال ناسازگاردرعین حال پیچیده گیهای سیاسی واجتماعی عمیقی را نیزبمیان کشیده روح و جسم باشنده های این سر زمین، بخصوص نسل آگاه و جوان را سخت درهم پیچیده است. دشمنی ها، نفرت ها، سفسطه بافی ها، رنجش ها، توقعات، واهمه ها، نگرانی ها، تشوشات، کمبودها، عقده ها، تحقیرها، بیعدالتی ها، کین و خشم و خشونت ها، همه وهمه قلب ومغز وشعور ما را احاطه نموده اند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اینجاست که وقتی قشردانا ودرعین حال سخت حساس (البته به شمول زنان محروم ومظلوم کشور)، خودشان را درمیان اینهمه نا سازگاریهای تلخ می یابند و هیچ راه برون رفت ازچنین بن بست ها را در نمی یابند، شرایط حال را غیرقابل تحمل و آینده را تاریک می نگرند و نیز خود و زنده گی خود را هیچ و پوچ می پندارند؛ این کوه بزرگ تقابل و تخالف فردی و روانی و اجتماعی بالاخره، آنها را به سوی اندیشیدن و نزدیک شدن به مرگ می کشاند.

پس، چه بجاخواهد بود که هرگاه بخواهیم روند منحوس خودکُشی در کشور را کُند سازیم و یا نابود کنیم، باید محیط را منزه، مساعد و انسانی بسازیم. به همین امید . (پایان)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ